

بازخوانی بیانات رهبر انقلاب اسلامی دربارهٔ آموزش فلسفه به کودکان

سیدروح‌الله نورافشان

دانشجوی دکترای معارف اسلامی، دانشکده‌کان فارابی دانشگاه تهران

چکیده

فلسفه برای کودکان از سالیانی پیش یکی از دغدغه‌های آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بوده است که در برهه‌های گوناگون آن را مطرح کرده‌اند. این موضوع از مهم‌ترین مطالبات رهبر انقلاب بوده که در این نوشتار تحلیل و بازخوانی شده است. ایشان راهکار تحول در نظام آموزش و پرورش را از رهگذر فکروزی حتی در دورهٔ ابتدایی می‌دانند. عمده‌ترین چالش در مسیر این رویکرد آموزشی این است که نه سیاست‌گذاران و نه عموم مردم این پدیدهٔ نوظهور را نمی‌شناسند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودک، فیک، فکرمحوری

این عبارات بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی دربارهٔ جایگاه و اهمیت مقولهٔ تفکروزی و آموزش فلسفه به کودکان در مدرسه‌هاست. ایشان فلسفه برای کودکان را به‌عنوان «خردورزی» و «فکرمحوری» به جای «حفظ‌محوری» و همچنین برای «ترویج استقلال رأی در کودکان» و با روش‌های جذاب لازم می‌دانند و معتقدند که «امتداد اجتماعی فلسفه» موجب «توسعهٔ سیاسی و فرهنگی» و بلکه «رشد همه‌جانبه» خواهد شد. فلسفه برای کودکان، ابزاری قدرتمند برای پرورش توانایی‌های تفکر انتقادی و خردورزی در سنین پایین است. توجه معلمان، والدین و مربیان به این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری ذهن‌های کنجکاو و مستقل کمک کند. آموزش فلسفه به کودکان نه تنها مهارت‌های تحلیلی آن‌ها را تقویت می‌کند، بلکه به آن‌ها می‌آموزد که پرسشگری را در خود نهادینه کنند.

از سوی دیگر، سیاست‌گذاران باید اهمیت این رویکرد آموزشی را درک کنند و بسترهای مناسب را برای گنجاندن آن در برنامه‌های درسی پایه‌های متعدد فراهم آورند. در عصر اطلاعات و تغییرات سریع، توانایی تفکر انتقادی از ضروریات زندگی امروز است. بنابراین، باید به فلسفه برای کودک توجه ویژه‌ای شود تا نسل آینده بتواند با چالش‌های پیچیده بهتر مواجه شود.

در ادامه، تحلیل گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب اسلامی دربارهٔ ضرورت ترویج فلسفه و فکرمحوری برای کودکان را خواهید خواند. در این نوشتار ابتدا ضرورت امتداد اجتماعی فلسفه با تأکید بر «فلسفه برای کودک» تشریح می‌شود. سپس برخی فواید این مسئله و همچنین چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن، از منظر رهبر حکیم انقلاب اسلامی بررسی خواهد شد.

امتداد فلسفه در عرصه‌های زندگی

فلسفه، تنها در بحث‌های نظری خلاصه نمی‌شود، بلکه عمیقاً با ساختارها و روابط اجتماعی درهم تنیده است و بر زندگی روزمرهٔ ما تأثیر می‌گذارد. فلسفه با ترویج تفکر انتقادی و استدلال منطقی،

مقدمه

«یکی از رشته‌های تألیف و کار فلسفی، نوشتن فلسفه برای کودکان است. کتاب‌های فلسفی متعددی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اول با مبانی فلسفی‌ای که امروز موردپسند لیبرال دموکراسی است، آشنا می‌کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظام‌های مارکسیستی، اگر دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفهٔ علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم. من به دوستانی که در بنیاد ملاصدرا مشغول کار هستند، سفارش کردم، گفتم بنشینید برای جوانان و کودکان کتاب بنویسید. این کاری است که قم می‌تواند بر آن همت بگمارد. بنابراین از جمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذاب» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

گفت‌وگو و تعامل سازنده را در جامعه تشویق می‌کند. همچنین، به تربیت شهروندان فعال و مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند که در مسائل اجتماعی مشارکت می‌کنند. فلسفه ظرفیت ما را برای همدلی و درک دیدگاه‌های متفاوت افزایش می‌دهد و به ما می‌آموزد تحمل شنیدن آرای مخالف را داشته باشیم. این دانش اساس تفکر انتقادی را در جامعه بنا می‌نهد؛ تفکری که برای جامعه‌ای اندیشمند ضروری است. فلسفه به جامعه ما کمک می‌کند هویت فردی و جمعی خود را بهتر بشناسیم و جایگاه خود را در جهان درک کنیم. در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و اخلاقی، فلسفه راهنمایی ارزشمندی ارائه می‌دهد و چارچوب‌های فکری برای تصمیم‌گیری‌های بهتر فراهم می‌سازد. فلسفه نه فقط فعالیت فکری، بلکه ضرورتی اجتماعی است که به ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر و عادلانه‌تر کمک می‌کند. مفهوم «امتداد اجتماعی فلسفه» الهام گرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«غربی‌ها با امتداد فلسفه‌های خودشان، مسائل سیاسی، مسائل حکومتی، مسائل اجتماعی را حل کرده‌اند. من دیروز در نمایشگاه کتاب کتاب‌هایی را دیدم که غربی‌ها نوشته‌اند، [درباره] تأثیر فلسفه در فوتبال؛ یعنی امتداد فلسفه حتی به فوتبال! ببینید این امتداد دادن مسائل فکری خودشان به تمام عرصه‌های زندگی و میدان‌های زندگی [است]. ما این کار را بایستی انجام بدهیم. ما از لحاظ فلسفه قوی هستیم. فلسفه اسلامی از فلسفه غربی قوی‌تر و ریشه‌دارتر و دارای استحکام بیشتر است؛ ولی بایستی امتداد آن در زندگی محسوس باشد. قضاوت فلسفه ما در مورد حکومت، در مورد مسائل اجتماعی، در مورد اقتصاد، در مورد عموم مسائل تمدن‌ساز بایستی معلوم باشد، روشن باشد» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۰۲/۲۲).

ایشان در جای دیگر بار د این پندار که برخی انتزاعی بودن را نقص فلسفه می‌دانند، تأکید می‌کنند که طبیعت این علم با ذهن و عقل سروکار دارد و این مسئله نقطه ضعف فلسفه نیست. نقطه ضعف فلسفه اسلامی در مقایسه با فلسفه‌های غربی به امتداد اجتماعی و سیاسی آن و ارتباط گرفتن با مردم مربوط می‌شود:

«تقص فلسفه ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم‌وبیش

تکلیفی معین می‌کند، سیستم اجتماعی را معین می‌کند، سیستم سیاسی را معین می‌کند، وضع حکومت را معین می‌کند، کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین می‌کند؛ اما فلسفه ما به‌طور کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند. شما بیاورید این امتداد را تأمین کنید و این ممکن است. کما اینکه خود توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه است؛ اما شما ببینید این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لا اله الا الله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمی‌ماند؛ وارد جامعه می‌شود و تکلیف حاکم را معین می‌کند. تکلیف محکوم را معین می‌کند، تکلیف مردم را معین می‌کند. می‌توان در مبنای موجود فلسفی ما نقاط مهمی را پیدا کرد که اگر گسترش داده شود و تعمیق گردد، جریان‌های بسیار فیاضی را در خارج از محیط ذهنیت به وجود می‌آورد و تکلیف جامعه و حکومت و اقتصاد را معین می‌کند. دنبال این‌ها بگردید. این نقاط را مشخص و رویشان کار کنید. آن‌گاه دستگاهی فلسفی درست کنید. از وحدت وجود، از «بسیط الحقیقه کل الاشياء»، از مبانی ملاصدرا، اگر نگوییم از همه این‌ها، از بسیاری از این‌ها می‌شود یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

یکی از ساحت‌های مهم امتداد اجتماعی فلسفه، فلسفه برای کودک است. این نوع فلسفه به آن‌ها یاد می‌دهد چگونه به‌طور انتقادی بیندیشند و پرسشگری را در خود پرورش دهند. با این رویکرد، کودکان می‌توانند نظرات خود را درباره مسائل اساسی زندگی شکل دهند. فلسفه برای کودکان به رشد خلاقیت و مهارت حل مسئله در آن‌ها کمک می‌کند. این روش به کودکان می‌آموزد با دیدگاه‌های متفاوت به‌طور منطقی و با احترام مواجه شوند. فضای گفت‌وگوی باز و آزاد، یکی از جنبه‌های مهم فلسفه برای کودکان

است. البته این ایده به دلیل نوپایی و نبود شناخت درست از سوی سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و والدین، مانند هر پدیده نوظهور دیگر با چالش‌هایی روبه‌روست. در ادامه، برخی ابعاد و آثار و چالش‌های آن با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی تبیین خواهد شد.

تأثیر فبک در رشد همه‌جانبه کشور

ارتقای آموزش و پرورش ریشه‌ای عمیق در تحولات اساسی جامعه دارد و فلسفه برای کودک نقشی کلیدی در این دگرگونی ایفا می‌کند. فلسفه برای کودکان با ترویج تفکر انتقادی و پرسشگری از دوران کودکی، بذرهایی تغییر را در ذهن نسل آینده می‌کارد. کودکانی که در فضایی فلسفی رشد می‌کنند، به جای پذیرش منفعلانه اطلاعات، به تحلیل و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند. این امر در آینده، با تولید ایده‌های نوآورانه و حل مسائل پیچیده، بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد. در حوزه سلامت و بهداشت هم این رویکرد، با تقویت خودآگاهی و تصمیم‌گیری مسئولانه، به بهبود رفتارهای

بهداشتی و پیشگیری از بیماری‌ها کمک می‌کند. در حوزه محیط زیست، فلسفه برای کودکان با ایجاد آگاهی عمیق به ارتباط انسان و طبیعت، به پرورش نسل حافظ محیط زیست یاری می‌رساند. بسیار جالب است که رهبر انقلاب اسلامی تحول در نظام آموزش و پرورش را مستقیماً با مسئله فلسفه برای کودک گره می‌زنند و از اهمیت ارتباط این دو مسئله سخن می‌گویند:

«اگر آموزش و پرورش در یک کشور ارتقا پیدا بکند و اصلاح شود، در اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط زیست، مرگ‌ومیر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر و فراتر از همه این‌ها، در دین، فلسفه و اخلاق تأثیر خواهد گذاشت... نگاه مدرن به مسائل حیات، امروز پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده که باید فلسفه را از دوره دبستان به کودکان تعلیم داد؛ البته با زبان کودکی» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵/۰۲/۱۲).

نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به فلسفه برای کودک به مسائلی همچون بهداشت، محیط زیست و مرگ‌ومیر محدود نمی‌شود؛ ایشان به زیبایی و هنر نیز اشاره می‌کنند و معتقدند که این رویکرد

توسعه سیاسی و فرهنگی کشور

فکر کردن و استقلال رأی بذرهای مشارکت فعال و آگاهانه را در توسعه سیاسی و اجتماعی هر کشور می‌کارد. کودکان از طریق مباحثات فلسفی یاد می‌گیرند دیدگاه‌های گوناگون را بررسی کنند و نظرات خود را با احترام بگویند و به استدلال‌های منطقی توجه کنند. این مهارت‌ها آن‌ها را به شهروندانی مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند که می‌توانند در فرایندهای تصمیم‌گیری جامعه به‌طور مؤثر شرکت کنند. همچنین فلسفه برای کودک، با ایجاد همدلی و درک متقابل، به کاهش تعصب و تبعیض در جامعه کمک می‌کند. دانش‌آموزانی که در فضایی فلسفی رشد می‌کنند، یاد می‌گیرند به حقوق و نظرات دیگران احترام بگذارند، حتی اگر با آن‌ها مخالف باشند. این رویکرد، زمینه را برای ایجاد جامعه‌ای با رویکردهای مردم‌سالارانه (دموکراتیک) و عادلانه فراهم می‌آورد. تلاش برای ایجاد استقلال رأی در شخصیت کودکان در آینده از نسل آنان مردمانی آگاه می‌سازد که در برابر توطئه‌های سیاسی و فرهنگ مهاجم مقاومت می‌کنند. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، معلم عامل مهمی در این زمینه است که می‌تواند از طریق آموزش فکر و استقلال رأی به کودکان در توسعه فرهنگی و سیاسی نقش آفرینی کند:

«توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی یعنی چه؟ توسعه فرهنگی و سیاسی این است که انسان‌ها در جامعه احساس کنند می‌توانند درست بیندیشند، درست بفهمند و درست فرا بگیرند. اگر کشوری بتواند خود را به اینجا برساند، توطئه‌ها و گمراه‌گری‌ها در آن اثر نمی‌کند. این چیز خوبی است؛ اما این با جنجال و غوغا و های‌وهوی و روزنامه‌بازی و امثال این‌ها درست نمی‌شود؛ به دست معلم درست می‌شود. توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی را معلم پایه‌گذاری می‌کند. شما هستتید که در داخل مدارس خودتان، این کودک را از هفت سالگی تحویل می‌گیرید و در هجده‌نوزده سالگی تحویل دانشگاه می‌دهید. اساسی‌ترین و مهم‌ترین دوران عمر این کودک با شما معلمان است. باید کشور و جامعه روی این مسئله حساب کنند. معلم یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد، معلومات خوب را به کودک بیاموزد، فکر کردن را به کودک بیاموزد، استقلال رأی را به کودک بیاموزد (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸/۰۲/۱۵).

معلم در این فرایند نقشی محوری ایفا می‌کند. معلم، نه تنها یک انتقال‌دهنده دانش، بلکه تسهیل‌کننده گفت‌وگویی چالشی است. او با طرح پرسش‌های بنیادین، دانش‌آموزان را به چالش می‌کشد

با تقویت حس کنجکاوی و خلاقیت، زمینه را برای آفرینش هنری و درک زیبایی‌های جهان فراهم می‌کند. فلسفه برای کودکان، با ترویج گفت‌وگو و همدلی، به بهبود رفتارهای اجتماعی و حتی کاهش خشونت در جامعه می‌انجامد. در نهایت، در حوزه دین، فلسفه و اخلاق، این رویکرد با تشویق به تفکر مستقل و ارزش‌گذاری، به فهم عمیق‌تری از معنویت و اخلاق منجر می‌شود و جامعه را به‌سوی ارزش‌های انسانی والاتری سوق می‌دهد. به این ترتیب، فلسفه برای کودکان نه تنها روشی آموزشی است، بلکه بستری برای تحول همه‌جانبه جامعه نیز هست.

تا خود به دنبال پاسخ بگردند. از آنجایی که دانش‌آموزان سال‌های طولانی از زندگی خود را در مدرسه و در کنار معلم سپری می‌کنند، تأثیر معلم در این روش بسیار عمیق و پایدار است. معلم، با صبر و حوصله، الگوهای تفکر نقادانه را در ذهن دانش‌آموزان نهادینه می‌کند. او نه تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کند در زمان حال تفکر کنند، بلکه پایه‌های این نوع تفکر را در طول زمان در نهاد آن‌ها شکل می‌دهد. به این ترتیب، معلم می‌تواند نسلی را پرورش دهد که نه فقط به دنبال تغییرات مثبت در جامعه باشند، بلکه توانایی و مهارت لازم برای ایجاد این تغییرات را نیز داشته باشند. فلسفه برای کودک به توسعه سیاسی و اجتماعی یک کشور کمک شایانی می‌کند و نقش معلم در این فرایند غیرقابل انکار است.

حفظ‌محوری و فکر‌محوری

حفظ‌محوری در آموزش و پرورش ایران چالش بزرگی است که در آن دانش‌آموزان به یادگیری اطلاعات به صورت سطحی و بدون درک عمیق می‌پردازند. فلسفه برای کودکان می‌تواند با ارائه رویکردی فکری و انتقادی این معضل را برطرف کند. این رویکرد با ایجاد فضایی آزاد و تشویق به پرسشگری، کودکان را به تفکر عمیق و فعال وادار می‌کند. به جای حفظ کردن اطلاعات، فلسفه بر تجزیه و تحلیل، استدلال و استنتاج تأکید دارد. کودکان یاد می‌گیرند چگونه سؤالات پیچیده بپرسند و به بررسی و تحلیل موضوعات متعدد بپردازند. فلسفه همچنین به کودکان این امکان را می‌دهد که نظرات و دیدگاه‌های گوناگون را بررسی کنند و از طریق بحث و گفت‌وگو به درک بهتری از موضوعات دست یابند. این فرایند به آن‌ها کمک می‌کند تا توانایی‌های انتقادی خود را پرورش دهند و به جای فقط حفظ کردن، به فهم عمیق‌تری از مفاهیم و موضوعات متعدد دست یابند. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به چالش «حفظ‌محوری» در آموزش و پرورش آن را نقطه مقابل «فکر‌محوری» معرفی می‌کنند:

«شیوه سازماندهی آموزش و پرورش هم از لحاظ قالب، هم از لحاظ محتوا یک شیوه تقلیدی محض است. این درست نیست. ما باید نگاه کنیم ببینیم چه لازم داریم. این شیوه‌ای که هست، کجایش معیوب است. این شیوه عیوبی دارد که یکی از عیوب‌هایش همین حافظه‌محوری است به جای فکر‌محوری. آموزش و پرورش ما حافظه‌محور است. بچه‌ها باید همین‌طور دائم محفوظات درست کنند» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲).

فلسفه به کودکان یاد می‌دهد چگونه به صورت مستقل فکر کنند و ایده‌های خود را توسعه دهند. این امر نسلی فکور، خلاق و مسئولیت‌پذیر تربیت می‌کند. به این ترتیب، فلسفه برای کودکان می‌تواند فکر‌محوری را به عنوان روشی برای یادگیری مؤثر جایگزین حفظ‌محوری کند و در نظام آموزشی ایران تحولی ایجاد کند.

اهمیت روش و محتوا

فلسفه به کودکان امکان درک مفاهیم و موضوعات گوناگون را می‌دهد. این امکان شامل مباحثی درباره معرفت‌شناسی، منطق، و

هستی‌شناسی است که به کودکان کمک می‌کند تفکر انتقادی و عمیق را فراگیرند. برخی از محتواهای فلسفی برای کودکان نه تنها ضروری است، بلکه تجربه ثابت کرده است این مفاهیم برایشان ساده و قابل هضم است. با این حال، اهمیت روش این فلسفه‌ورزی در کودکان پررنگ‌تر از آن محتواست. فلسفه برای کودکان فقط شامل آموزش مفاهیم نیست، بلکه بر شکوفایی توانایی‌های فکری و تشویق به تفکر آزاد و منطقی نیز تأکید دارد. روش آموزش فلسفه به کودکان بر پایه برانگیختن سؤال‌ها، بحث‌ها و تجزیه و تحلیل‌های منطقی استوار است. این روش به کودکان کمک می‌کند باورهای شخصی خود را بسازند، استدلال کنند و در آینده به اندیشه‌ورزی و پژوهشگری توانمند تبدیل شوند. رهبر انقلاب با توجه دادن به هر دو جنبه محتوایی و روشی، بر اهمیت نقش روشی تأکید می‌کنند: «قالب مهم است. اگر چه محتوا هم در همین فلسفه کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی. این خیلی مهم است» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰).

به طور مثال، معلم ممکن است با ارائه پرسشی باز که از لحاظ فلسفی تحریک‌کننده است، از کودکان بخواهد به آن موضوع فکر کنند و پاسخ خود را بدهند. سپس، معلم به تسهیل بحث و مباحثه بین کودکان می‌پردازد، به طوری که آن‌ها بتوانند نظریات خود را با هم به اشتراک بگذارند و از یکدیگر یاد بگیرند.

در این جریان، آنچه مهم‌تر از محتواست، روش است؛ چون روش درست، توانایی تفکر و تحلیل را در کودکان پرورش می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند به تفکر انتقادی عادت کنند. فلسفه برای کودکان، با تأکید بر روش آموزش، به توسعه شخصیت و توانایی‌های فکری کودکان کمک می‌کند و در نهایت، به پرورش نسلی اندیشه‌گر، آزاداندیش و متکی به خود می‌پردازد. با این رویکرد، کودکان نه تنها مفاهیم فلسفی را فرامی‌گیرند، بلکه یاد می‌گیرند چگونه بیندیشند، چگونه از شواهد و براهین استفاده کنند و چگونه به سؤالات خود پاسخ بدهند. این توانایی‌های فکری، آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های زندگی واقعی و تصمیم‌گیری‌های مهم آماده می‌کند.

مهم‌ترین چالش فیک در ایران

چالش فیک در ایران این است که به عنوان پدیده‌ای نوظهور هنوز به درستی شناخته نشده است. این چالش را هم در عموم جامعه و هم در سیاست‌گذاران می‌توان دید. متأسفانه عموم جامعه، به خصوص والدین، معلمان و مربیان به عنوان عناصر اصلی تعلیم و تربیت هنوز به اهمیت و ضرورت این مسئله توجه نکرده‌اند. رهبر معظم انقلاب یکی از موانع رشد فیک را همین معضل عمومی می‌داند:

«امروز در کشورهای پیشرفته مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعه ما اصلاً تصور نمی‌کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می‌کنند فلسفه به معنای یک چیز قلمبه‌سلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه می‌کنند؛ این نیست.

فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰).

آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگر به این چالش اساسی در حوزه فلسفه برای کودکان اشاره می‌کنند؛ اما این بار سیاست‌گذاران و طراحان کشور را مورد خطاب و تأکید قرار می‌دهند. این نکته گواه بر این است که مسئولان و سیاست‌گذاران به‌طور کامل به ضرورت و اهمیت فلسفه برای کودکان پی نبرده‌اند. تا زمانی که این چالش در سطح سیاست‌گذاری حل نشود، نمی‌توان انتظار داشت اهمیت و ضرورت فلسفه برای کودکان در سطوح میانی نظام تعلیم و تربیت به‌درستی درک شود؛

«امروز در دنیا به زبان کودکی به کودکان فلسفه می‌آموزند؛ یعنی چیزی که از نظر بعضی از طراحان کشور ما بی‌معنی است؛ فکر می‌کنند فلسفه مخصوص آدم‌های ریش و سبیل‌دار و کسانی است که یک سنی از آن‌ها گذشته باشد. نگاه مدرن به مسائل حیات، امروز پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده که باید فلسفه را از دوره دبستان به کودکان تعلیم داد؛ البته با زبان کودکی» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵/۰۲/۱۲).

فقدان شناخت و فهم فلسفه برای کودک از سوی سیاست‌گذاران، یکی از عمده‌ترین چالش‌ها در مسیر توسعه و گسترش این رویکرد آموزشی در ایران به شمار می‌رود. سیاست‌گذاران معمولاً به دلیل ناآگاهی از مزایای فلسفه برای کودک و روش‌های تربیتی آن، ممکن است از پذیرش این رویکرد و حمایت از آن خودداری کنند. در نتیجه، فلسفه به‌عنوان ابزار مؤثری برای پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت در کودکان نادیده گرفته می‌شود. این فقدان شناخت می‌تواند ناشی از تعلیمات سنتی، ناتوانی در ارزیابی روش‌های نوین تربیتی و ذهنیت‌های قدیمی در مورد فرایند یادگیری باشد.

راهکارهایی برای تحول

برای حل این مشکل، می‌توان سه راهکار پیشنهاد کرد:

آموزش و آگاه‌سازی سیاست‌گذاران: برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های آموزشی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران آموزشی، به‌منظور آشناکردن آن‌ها با اصول و مزایای فلسفه برای کودک، یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه است. این برنامه‌ها می‌توانند شامل ارائه مستندات علمی، تجربه‌های موفق از کشورهای دیگر و نمونه‌های عملی از کاربرد فلسفه در مدرسه‌های داخل و خارج از کشور باشند.^۲

ایجاد همکاری میان نهادهای متعدد: تشکیل همکاری‌ها بین نهادهای آموزشی، فرهنگی و علمی به‌منظور ترویج فلسفه برای کودک از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. این نوع همکاری‌ها می‌توانند شامل تبادل نظر و تجربه، تأسیس کتابخانه‌های مشترک و راه‌اندازی برنامه‌های مشترک آموزشی باشند که بتوانند تأثیر مثبت فلسفه را در روند آموزش و پرورش نمایان کنند.

توسعه محتوای آموزشی: ایجاد و ترویج منابع آموزشی و

محتوای کاربردی که تأثیر مثبت فلسفه بر کودک را نشان دهد، راهکار پیشنهادی دیگر است. تولید کتاب‌ها، مقالات و فیلم‌های مستند که تأثیر فلسفه بر رشد خلاقیت، تفکر انتقادی و حل مسئله را به تصویر بکشند، می‌تواند عموم جامعه، به‌خصوص والدین و معلمان را به درک بهتر این رویکرد ترغیب کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصطلاح «فیک» مخفف فلسفه برای کودکان است.

۲. اصطلاح «فایک» به فلسفه اسلامی برای کودکان اشاره دارد. این اصطلاح به این موضوع اشاره می‌کند که ترویج روش فلسفی در میان کودکان امری ضروری است؛ اما کافی نیست، بلکه لازم است هم‌زمان به محتوای آموزشی آن نیز اهمیت داده شود.

اصطلاح «P4C»: اشاره به Philosophy for children دارد.

۳. طرح‌های آزمایشی موفق در زمینه فلسفه برای کودک حتی در داخل کشور انجام گرفته است که نیاز به تعمیم و گسترش دارد. از باب نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

● عباس‌زاده، یاسمین و عباس‌زاده، مارال، «بررسی تأثیر چند رسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر قائم‌شهر»، مجله پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی، سال دوم، بهار ۱۴۰۰ شماره ۲.

● محمدی ذبیح پیرانی، غلامرضا و زنگنه مطلق، فیروزه، «هم‌سنجی اثربخشی آموزش فلسفه برای کودک و بازی‌درمانی گروهی به شیوه شناختی رفتاری بر عملکرد اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال سیزدهم، بهار ۱۴۰۱، شماره ۴۹، صص ۲۱۹ - ۲۴۸.

● جناب‌زاده رودباری، مریم؛ انصاریان، فهیمه؛ نادری، عزت‌الله، «بررسی نقش برنامه آموزش فلسفه برای کودک (C4P) بر کاهش برون‌ریزی و درون‌ریزی خشم در دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه مدارس دولتی منطقه ۱۴ شهر تهران» (مقاله پژوهشی دانشگاه آزاد)، پژوهشنامه تربیتی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۴۷، صص ۲۱-۴۶.

منبع

خامنه‌ای، سیدعلی، گزیده بیانات (جای خالی فکرمحوری) در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۷۰۲۳۰۲۲>. تاریخ انتشار ۱۳۹۲/۰۴/۱۵.